

مجموعه تماشای شهر (۲)

قهوه استانبول نیکو می سوزد

استانبول به روایت مسافران دوره قاجار
علی اکبر شیروانی



www.ketab.ir

سرشناسه:	شیروانی، علی میر، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور:	قهوه استانبول نیکری می‌سو: استانبول به روایت مسافران قاجاری / دبیری و تدوین علی اکبر ذریه: تحقیق زهرا ابراهیم پور.
مشخصات نشر:	تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۱۶ ص.
فروست:	مجموعه تماشای شهر؛ ۲
شابک:	دوره ۵-۲-۹۶۸۸۴-۹۷۸-۶۰۰
جلد ۲:	۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ ق.
موضوع:	استانبول (ترکیه) -- سیر و سیاحت
شناسه افزوده:	ابراهیم پور، زهرا، ۱۳۶۶
رده بندی کنگره:	۱۳۹۶ ق ۹۱۳/۵ DSR
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۴۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۳۷۲۰۲۶۸

مجموعه نمایش شهر (۲)

قهوه استانبول نیکو می سوزد

دبیری و تدوین: علی اکبر شیروانی

پژوهش: زهرا ابراهیم پور کلخوران



اطراف

مدیر هنری: کیازنگ عظیمی

طراح جلد: حسین اسکندری

دبیر فنی: محمدرضا لریچی

بازبینی نهایی متن: محمد مهدی حیدری

چاپ: کالج مصححی: نمونه

شاهک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۵-۶

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶، ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نهم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپ، صوت، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی نشر ممنوع است. نقل پرش هائی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹-۲۹۷۵

Atraf.ir

مقدمه ... ۹

مشربه از سنگ مرمر ... عبدالحسین افشار ... ۱۵

از قبیل اینها ... میرزا حسن موسوی ... ۳۷

پیکر پری سان منش ... میرزا محمودخان ... ۵۱

دلاک، امیر باطوت ... میرزا محمدحسین ... ۶۹

از درخت شقه به چنار ... ناصرالدین شاه ... ۸۹

ابنیه نفیسه قدیمه ... عمادالسلطنه ... ۱۰۷

کلا سروستان و کاجستان ... میرزا فتح خان ... ۱۲۱

نه به قدر مشهد ... میرزا داوود ... ۱۳۱

به اشارت بشارت ... فرید ... ۱۴۳

از وحشی گری بیرون ... حاج سیاح ... ۱۵۱

اسب های لنگ و کور زخمی منحنی ... ابوطالب خان ... ۱۶۵

بازورق بخاری سلطانی ... مظفرالدین شاه ... ۱۸۵

منابع ... ۲۰۶

شرح کلمات ... ۲۰۷

مکان ها ... ۲۰۹

نام ها ... ۲۱۲

مقدمه

تورنگ اینها را به من نه ای تا من جایگاه ایشان با تو نمایم.
ابوالحسن خرقانی

شهرها رنگ دارند. رنگ هر شهری برآمده از معماری، جغرافیا، آداب و رسوم، لباس، پوشش و صدها عامل دیگر است. به علاوه تصورات ذهنی و کمی خیال پردازی کسی که به شهر فکر می کند. شهرها رنگ دارند و معمولاً برای هر شهری یک رنگ اصلی و هزاران زیررنگ در ذهنمان نقش بسته است: شهرهای گرمسیری قرمز، شهرهای سردسیری آبی و شهرهای معتدل سبز. شاید رنگ شهرها تا حدی از قوانین طبیعی تبعیت می کند اما کم کم ذهن ما رنگ های اصلی را مخلوط می کند و به رنگ های فرعی می رسد: قرمز کاشان ملایم و آرام است و جاهایی به کرم قهوه ای

نزدیک می‌شود، ولی قرمز زاهدان تند و آتشین است و کمی مایل به آلبالویی. آبی ارومیه نرم و فیروزه‌ای است و آبی اردبیل تیره و لاجوردی شبیه دریایی آرام. سبز رشت پخته و سیر است و سبز چالوس روشن و مغزپسته‌ای.

هر کسی در طیف‌بندی رنگ‌ها براساس مجموعه‌ای از واقعیت‌های بیرونی و ویژگی‌های ذهن خودش عمل می‌کند؛ پس ناگزیر رنگ‌هایی که در این نوشته برای کاشان، زاهدان، ارومیه، اردبیل، رشت و چالوس برگزیدم با رنگ دیگر کسانی که این شهرها را سنا ند متفاوت است.

سنا رنگش را می‌پاشد روی آدم‌هایش و آدم‌ها را به رنگ خودش درمی‌آورد. شهر از این منظر موجودی است بی‌رحم که به اختیار و انتخاب کسی که در برشان گرفته توجهی نمی‌کند و همه را ناگزیر به رنگ خودش می‌پاشد. مهمان می‌کند. رنگ‌پذیری متولد و ساکن شهر در اختیار خودش نیست اما مسافر به اختیار و شوق سفر می‌کند که رنگ بگیرد و عوض شده. مسافر می‌خواهد برای مدت کوتاهی رنگ شهرش نباشد و به رنگی دیگر دربیاید و مشقت سفر را تحمل می‌کند تا به رنگی تازه برسد. مقصد سفر خالی از انتخاب رنگ نیست، همان روزی که بار می‌بارد، حس می‌کند که به آن در می‌آیم در ما شکل می‌گیرد. تناسب فصل و آب و هوای شهر ارتباط مستقیمی با رنگ دارد: فصل سرد به سمت قرمز، فصل گرم به سوی آبی و میان فصل‌ها به طرف سبزهای جان‌نواز. ییلاق و قشلاق میراث قدیمی پدران ما نیست که گرامی‌اش بداریم یا ضایعش کنیم؛ ضرورتی است برای روح و جان انسان‌ها. حالا اگر به ضرورت و اقتضائات زندگی امکان

بیلاق و قشلاق نداریم سفر همچنان بهترین یاری گر است. به نظر می‌رسد ما همیشه به دنبال موازنه با جهان اطراف خودمانیم و سفر بهترین ابزار این تعادل است.

اما رنگ‌های اصلی و فرعی شهرها را از کجا می‌شناسیم؟ چگونه رنگ‌ها ما را به خود می‌خوانند و می‌خواهند که دعوتشان را اجابت کنیم؟ بی‌شک در شناسایی رنگ شهرها - به خصوص رنگ‌های فرعی - تنها یک عامل مؤثر نیست. امروزه رسانه‌های بصری در ساخت ذهنی ما مؤثرند و ذهن ما دائم در حال ساخت و تخریب، تصحیح و بازسازی داشته‌هایش است. لنزهای ذهنمان با دیدن به‌دام نو و کهنه هرروز و هرروز رنگ‌های تازه را پالایش می‌کنند و به دست و طیف‌های رنگی جدیدی در همه زمینه‌ها می‌رسد.

در روزگاری نه چندان کهن، سفرنامه‌ها چشم عمومی مردم برای شناخت رنگ شهرها بودند. مسافر با سفرنامه‌اش، که کمی از رنگ سفرش داشت، مردم را برای خواندن که کمی رنگ بگیرند از شهری دور یا نزدیک. هرچه شهر دورتر بود تضاد رنگی شدیدتر می‌شد و اشتیاق برای فراگرفتن آن رنگ بیشتر. امروزه سفرنامه‌های کهن برای نگاه دوباره به رنگ اصلی شهرها که با گذشت سال‌ها همچنان در ما مستقر و مستقر است، به کار می‌آید.

پاریس، استانبول، لندن، سن پترزبورگ یا بمبئی، با همه تحولاتشان و با همه تغییرات ما در یک صد سال گذشته، از طیف رنگ‌های اصلی‌ای پیروی می‌کنند که نیاکان ما برایمان ساخته‌اند

و پرداخته‌اند؛ گویی ما امروزه بر همان رنگ‌های کهن، طیفی می‌افزاییم و با شفافیت و درخشش بیشتر پی‌شان می‌گیریم و گویی سفرنامه‌های جدید همه رنگی از همان سفرنامه‌های کهن را در خود دارند. ما هنوز در تصویر و رنگی که مسافران پیشین برایمان ساخته‌اند زندگی می‌کنیم. تلاش مجموعه «تماشای شهر» یافتن رنگ چند کلان‌شهر است؛ رنگ‌هایی که مسافران ایرانی دوره قاجار با آنها روبرو شده‌اند.

متون تاریخی منشوری چندوجهی است که بسته به زاویه دید ماساگر رنگ‌هایی در معرض نمایش می‌گذارد. در ارائه رنگ و طرح‌ها کوشیده‌ام بیش از اهتمام به دغدغه‌های صلب و سخت بودن و پژوهشگران به روایتی برسم که خواندندش برای مخاطب سیر می‌باشد. آنچه در این کتاب درباره استانبول می‌خوانید، همه مکتوبات مسافران نیست و با معیارهای خاص و دقیقی بخش‌هایی از آنها کسب شده است.

در کتابی که در دست دارید عادت امروزی خواننده در رسم الخط و علائم ویرایشی مراعات شده و همچنین روح برخی کلمات و جملات مشکل در پایان کتاب افزوده شده که به سیران مدعی ارائه تمام معانی یک کلمه نیست. در حالی که در سال‌های پایانی قرن سیزدهم شمسی بر سر ضبط نام‌ها و اعلام اجنبی به فارسی اختلاف نظر وجود دارد، پافشاری بر ضبط کهن اعلام عبث بود؛ بنابر ضرورت همه اعلام براساس ضبط شایع امروزی تغییر یافته است. معتقدم بخشی از ساختار زبان که با صحیح و غلط می‌شناسیمش از وضعیت عمومی جامعه ناشی می‌شود و همین

دیدگاه باعث شد پا از این فراتر نگذاشته و غلطها و خطاهای نگارشی و فنی را به شکل و سیاق سابق حفظ کنم. آنچه در دست دارید شکل نمی‌گرفت مگر با لطف و حمایت پژوهشگران نشر اطراف و سرکار خانم نفیسه مرشدزاده‌بی‌پایان سپاس ایشان را.

علی‌اکبر شیروانی

بهار ۱۳۹۶

www.ketab.ir